



سال هشتم، شماره ۲، پیاپی ۲۷ تابستان ۱۴۰۴

www.qparsir.ir

ISSN : 2783-4166

نقد فمینیستی رمان "حفله طلاق" اثر مانع المعینی

سماحه قهرمانی^۱، دکتر علی خضری^۲، دکتر رسول بلاوی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۶۰ تا ص ۸۰)

doi* [10.22034/CAAT.2025.476501.1108](https://doi.org/10.22034/CAAT.2025.476501.1108)

چکیده

فمینیسم مجموعه‌ای از نظریه‌های اجتماعی، جنبش‌های سیاسی، و تفکرهای فلسفی است. که غالباً توسط زنان پا به عرصه‌ی جامعه نهاده است، این جنبش از اواخر قرن هجدهم میلادی بمنظور از بین رفتن تبعیض‌های جنسیتی میان زنان و مردان شکل گرفت، نقد فمینیستی یکی از حوزه‌های نقد ادبی است که برپایه‌ی جنبش مذکور توسط ویرجینیا وولف بیان شد و به بررسی و نقد مؤلفه‌هایی از قبیل، مردسالاری، طلاق، ازدواج اجباری، توهین به زنان، خشونت علیه زنان و... می‌پردازد. مانع المعینی یکی از نویسندگان و تهیه‌کننده اماراتی است که به بیان دغدغه‌های جوانان و جامعه می‌پردازد، وی در رمان "حفله طلاق" درمورد یکی از دغدغه‌های جوانان سخن به میان می‌آورد.

در این پژوهش سعی بر این است که با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد بر منابع کتابخانه‌ای به بررسی نقد فمینیسی و انطباق آن در جامعه و رمان مورد نظر پردازیم. سپس به بررسی موردی رویکردهای نقد فمینیستی حاکم بر رمان حفله طلاق و تحلیل موضوعات مرتبط با فمینیسم موجود در رمان، همچنین تأثیر متقابل محیط

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.//

negin.gh200098@gmail.com

۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول) //

alikezri@pgu.ac.ir

۳. استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. // r.balavi@scu.ac.ir



اجتماعی بر روی افراد و افراد بر جامعه‌ی خود را مورد تحلیل قرار داده می‌شود، در رمان مذکور ریشه‌های فمینیسم از قبیل مردستیزی، اشتغال زنان، مردسالاری، خشونت و مواردی دیگر از این قبیل به وضوح دیده می‌شود، و این که در جامعه مورد نظر فرهنگ‌سازی پایه‌ای شکل‌گیری نشده است، که زمینه را برای حضور زن در جایگاه مختلف آماده کند، در این اثر شروع فمینیستی شدن، موازی با رخ دادن اتفاقات تلخ در زندگی افراد است.

کلید واژه‌ها: فمینیسم، نقد فمینیسمی، مانع المعینی، رمان "حفلة طلاق".

1- مقدمه

فمینیسم از نظر لغوی یک واژه فرانسوی است که برگرفته شده از ریشه "feminine" می‌باشد. که در زبان فارسی به معنی زنانه‌نگری، زن‌محوری، زن‌سالاری و نهضت زنان... می‌باشد. و از نظر اصطلاحی فمینیسم یک جنبش سازمان‌یافته زنانه است که در قرن بیستم میلادی در اروپا و آمریکا بمنظور برابری زن و مرد شکل گرفت. این جنبش در سه موج پیاپی با هدف عدم تبعیض و اجحاف در احقاق حقوق زنان در بستر جامعه روی کار آمد.

موج اول جنبش فمینیسم که از سال ۱۸۵۰ میلادی تا ۱۹۲۰ میلادی به طول انجامید به موج قدیم هم معروف است (هام، ۱۳۸۲: ۶۹)، آزادی سیاسی و حق رأی را در جامعه برای زنان به ارمغان آورد. موج دوم جنبش مذکور که در محدوده‌ی ۱۹۲۰ میلادی تا ۱۹۸۰ میلادی بود، موجب اصلاح یک سری از حقوق‌هایی که جامعه برای زنان رواداشته بود شد. در موج سوم که از سال ۱۹۸۰ میلادی شکل گرفت و تاکنون هم در امتداد است، زنان در این موج معتقدند که بر ساختار فرهنگی خود تاثیر دارند (شلیت و همکاران، ۱۳۸۴: ۹).

ادبیات فمینیستی، شامل کتاب داستانی و یا غیرداستانی است که به حمایت و طرفداری از آرمان‌های فمینیستی چون حقوق برابر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای مردان و زنان می‌پردازد. این نوع از ادبیات اغلب از نابرابری‌های حقوقی موجود در اجتماع انتقاد می‌کند و در راستای تصحیح این نابرابری‌ها قدم برمی‌دارد تا به هدف‌ها و آرمان‌هایی که از دیدگاه فمینیسم مقبولیت دارد نزدیک‌تر شود. این رویکرد جامعه‌شناختی به صورت فراگیر در



فنون دیگر نفوذ کرد و از محدوده جامعه‌شناسی فراتر رفت، به ادبیات و سایر رشته‌ها وارد شد. فمینیسم نقش ارشمندی در مبارزه علیه ستم در جهان دارد (گرین و لیبهان، ۱۳۸۳: ۳۲۸).

نقد ادبی یک نوع دانش برای بررسی ویژگی‌ها، تحلیل نقاط قوت و ضعف یک اثر ادبی می‌باشد. و نقد فمینیستی یکی از رویکردهای نقدی ادبی است که همراه با موج دوم نهضت فمینیسم، همراه با انتشار "اتاقی از آن خود" اثر ویرجینیا وولف ظهور کرد، محتوای این کتاب در بردارنده یک انقلاب فکری گسترده‌ای بود، که امور مرتبط با مشکلات زنان در جامعه را با هدف برجسته شدن تبعیض میان زنان و مردان و ارزش نهادن به زنان در جامعه پایه‌گذاری شد.

یکی از برجسته‌ترین منتقدان فمینیست "الین شوالتر" است. او تاریخ، سبک‌ها، ژانرها و ساختارهای نویسندگی زنان و خلاقیت زنان را مورد بررسی قرار می‌دهد. شوالتر آثار ادبی را به دو دسته تقسیم می‌کند (کتاب‌های زنان) و (کتاب‌های مردان). منتقدانی مانند شوالتر متون ادبی را از دریچه رئالیستی مطالعه می‌کنند و ادبیات را مجموعه‌ای از واقعیت‌ها می‌دانند که در این نوع نقد مؤلفه‌های جنسی زنانه وارد تحلیل می‌شود که محتوای اصلی آن شخصیت‌ها و مسائل کلیشه‌ای زنان با عناصر مورد مطالعه در یک اثر مردانه است به طور کلی در بردارنده نگاه خاص زنانه با ویژگی‌های خاص خود به‌عنوان یک تماشاگر نسبت به فرهنگ، فیلم و یا یک اثر هنری و ادبی است (شوالتر، ۱۹۷۷: ۲۱۶). از دیگر منتقدان مهم در که دیدگاهی فمینیستی دارند می‌توان از "ویرجینیا وولف و هلن سیکسو" نام برد.

می‌دانیم نقد فمینیسم به بررسی و نقد مسائلی حور محور دغدغه‌های زنان در ادبیات و یک اثر ادبی می‌پردازد. نقد مواردی همچون برتری دادن مردان نسبت به زنان، موانع فرهنگی و اجتماعی اشتغال زنان، ازدواج اجباری، خشونت علیه زنان، مرد ستیزی، زنانه کردن فقر، بی‌وفایی تنوع طلبی و خیانت مردان، توهین به زنان و... و بررسی مواردی همچون آموزش زنان، نقش مادری، تعامل با جهان مردانه، عصیان علیه سنت‌ها و... می‌پردازد. به تعبیر ساده نقد فمینیستی با شروع جنبش فمینیستی در جامعه، وارد ادبیات و آثار ادبی شد و به دنبال بررسی و تحلیل کتبی است که ریشه در این گرایش و دیدگاه دارد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری



روش پژوهش توصیفی تحلیلی است. جامعه‌ی آماری رمان "حفله‌ی الطلاق" اثر یک نویسنده امارتی به نام مانع المعینی می‌باشد. و نمونه‌هایی پژوهشی برگرفته شده از این کتاب می‌باشد که به صورت موردی و به تناسب موضوع پژوهش اتخاذ شده است.

روش اجرا

برای شروع کار ابتدا به طور دقیق رمان عربی "حفله‌ی الطلاق" مطالعه شده‌است و سپس مؤلفه‌های مرتبط با نقد جامعه‌شناختی علی‌الخصوص نقد فمینیستی به صورت موردی انتخاب شده‌است و سپس به تحلیل و نقد داده‌های مورد نظر براساس نظریه جامعه‌شناختی پرداخته شده‌است.

یافته‌ها

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد رمان مذکور دارای گرایش‌های فمینیستی است، گرچه نویسنده این کتاب مرد می‌باشد اما در خلال آن، شخصیت داستان ما نوشته‌های خود را به صورت مکتوب به نویسنده ارائه می‌دهد که عمق زنانه نویسی را بعضی از قسمت‌های این کتاب نمایان می‌سازد و همچنین این رمان بازتاب کلی درباره فشارهای روحی، روانی و جسمی است که در محیط اجتماعی و محیط خانوادگی توسط افراد بر زنان تحمیل می‌شود.

۱-۱ سوالات پژوهش

مهم‌ترین مؤلفه‌های نقد فمینیستی در رمان حفله‌ی طلاق چیست؟

جنبش فمینیستی چه میزان در شکل‌گیری شخصیت اصلی این رمان تأثیرگذار بوده‌است؟

۲-۱ پیشینه‌ی پژوهش

نقد فمینیستی در داستان‌ها و رمان‌های معاصر دارای اهمیت ویژه‌ای اند و مورد توجه بسیاری از اهالی فن در زبان فارسی و سایر زبان‌های جهان قرار گرفته‌است. برای نمونه موردی در زبان فارسی عبارتند از:



کتاب "نقد فمینیسم از منظر نویسندگان غرب" به نویسندگی سید جعفر حق‌شناس در سال ۱۳۸۹ در پژوهشکده باقرالعلوم (علیه سلام) در تهران منتشر شد در بردارنده مجموعه‌ای از مقالاتی است که در فضای جامعه غرب در انتقاد از ابعاد نظری و عملی فمینیسم نوشته شده است که در این کتاب بسیاری از مؤلفه‌های فمینیسم را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

کتاب "نقد و نظر" به نویسندگی رزمی تانگ فیلسوف آمریکایی که در سال ۱۹۸۸ میلادی به چاپ رسیده و توسط سرکار خانم منیژه نجم عراقی به زبان فارسی ترجمه شده است، این کتاب در واقع درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی را ارائه می‌دهد. در واقع وی یک مقایسه بی‌عیب و نقص از امواج فمینیستی متنوع را انجام می‌دهد و آنها را کاملاً با زمینه‌های آمریکایی تطبیق می‌دهد.

پایان‌نامه نقد فمینیسم در "جنس دوم" اثر سیمون دیبورا به نگارش رقیه فیروز، محمدرضا ابراهیمی و آنت آبه که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران در مقطع کارشناسی ارشد دفاع شد، در این پایان‌نامه کتاب "جنس دوم" که یکی از بحث برانگیزترین کتب در حوزه نقد فمینیستی بوده که در برابر مشکلاتی که زنان در جامعه دارند بحث به میان می‌آورد و زنان را یک موجود فرودست در جامعه نشان می‌دهد که در این اثر با یک نگاه نوین به بررسی این مشکلات که بعضی از آنها جزء طبیعت زنان است پرداخته شده است.

پایان‌نامه نقد فمینیسم با مقایسه آثار هنرمندان آمریکا و ایران به نویسندگی سرکارخانم آرام ذوالفقاری و پریسا شاد قزوینی در سال ۱۳۸۹ منتشر شده در دانشگاه الزهرا در مقطع کارشناسی ارشد دفاع شده است، در این اثر نگارنده به وضوح این موضوع را بیان می‌کند که می‌توان با تحلیل و بررسی جایگاه زن در آثار هنرمندان به یک سری از مؤلفه‌های فرهنگی و اعتقادی پی برد، علاوه بر این تفاوت بین فرهنگ و باورهای زنان ایرانی و آمریکایی را نیز به خوبی بیان می‌کند.

مقاله "نقد فمینیستی رمان خاله بازی اثر بلقیس سلیمانی" به نویسندگی دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده و سرکار خانم سارا حسینی در سال ۱۳۹۲ در هفتمین همایش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان ارائه شد، این مقاله به خوبی داستان رمان را که در مورد زنی نازا است را به تصویر کشیده است و مشکلاتی که این زن در زندگی اجتماعی خود با آن دسته و پنجه نرم می‌کند را بیان می‌کند و آن را با مؤلفه‌های نقد فمینیستی مورد نظر و بیان شده در



رمان تطبیق می‌دهد، این مقاله به خوبی ارتباط بین بخش‌های مختلف رمان و نقد فمینیستی را عرضه می‌کند. و یکی از نکات قابل ذکر در این مقاله است که فاقد پیشینه‌ی پژوهش می‌باشد.

مقاله «نقد فمینیستی رمان این خیابان سرعت گیر ندارد اثر مریم جهانی» که در سال ۱۳۹۹ در نشریه پژوهشنامه ادبیات داستانی دانشگاه رازی به نویسندگی فرشاد اسکندری شرقی و همکاران به چاپ رسیده‌است. رمان مذکور در مورد زنی مطلقه است که به در پی آرزوهای نوجوانی اش و شغل مورد علاقه‌اش وارد کشمکش‌های طلاق و فشارهای ناشی از طلاق از سوی خانواده اش می‌شود. نویسنده کشمکش‌های موجود در داستان را به خوبی با مؤلفه‌های نقد فمینیستی تطبیق می‌دهد و در پی آن است که مشکلات زنان جامعه را به نمایش و تفهیم برساند.

۲- مانع المعینی و رمان "حفلة الطلاق"

مانع المعینی نویسنده جوان و کاتب امارتی اصل است که آژانس ادبی کتاتیب را در سال ۲۰۱۵ میلادی بنا نهاد. ایشان در محافل ادبی به مسائل اجتماعی می‌پردازد وی نویسنده کتاب‌های از قبیل: «مذکرات شاب فاشل» و «ماریا کرسٹوفر» و «الشارع الإبداعي» و «حفلة طلاق» و... است، تحصیلات خود را در دوره کارشناسی در رشته مدیریت بازرگانی و دوره کارشناسی ارشد را در رشته علوم ابداعی گذرانده است، رمان مذکور که یکی از نگاشته‌های ایشان است که به موضوع اجتماعی و واکنش‌های زنانه در اجتماع و مشکلات حاصل از آن می‌پردازد.

این رمان در سه فصل آمده و در مورد زنی تاجر به اسم حنان است. وی زنی سرسخت و قوی و نمونه برای مثال زدن در بین زنان در دوره خودش بود. که از بیماری هستریک رنج می‌برد. او سرناسازگاری با جامعه را دارد گویی جامعه به او ظلمی را روا داشته است، که از مردم جامعه منتفر شده‌است. مانع المعینی (نویسنده) در پی نوشتن زندگی نامه این زن تاجر است. اما هر بار کار او با وقفه‌ها و موانعی روبه‌رو می‌شود مواردی از قبیل پرخواشگری‌های حنان و... در این رمان ویکتوریا دوست صمیمی حنان است که وی نیز تجربه‌های همانند حنان دارد که در مورد نوشتن زندگینامه‌ی حنان به نویسنده کمک می‌کرد، داستان از آنجا شروع می‌شود که حنان تصمیم می‌گیرد با شرایط خودش داستان زندگی اش را برای نویسنده تعریف کند: حنان دختری است از یک خانواده ثروتمند در امارات او تک فرزند است، که تجارت را در پی شغل پدرش ادامه می‌دهد چون این آرزوی پدرش بود که، «حنان یک تاجر بزرگ شود» از این رو به تحصیل در رشته تجارت بین الملل می‌پردازد، و پس از آن ماجرای تلخ در گذشت



پدرش برایش رخ می‌دهد که به دلیل تلخی زیادی که برای او داشت این موضوع را به صورت مکتوب می‌نویسد. حنان با مرگ پدرش کارهای سنگینی را به دوش می‌کشد از قبیل مدیریت شرکت پدرش، وقتی حنان برای مدیریت وارد شرکت می‌شود کارکنان شرکت نمی‌پذیرند که یک زن مدیر آنان باشد از همین رو استعفای دهند. بعد استعفای کارکنان یکی از جوانان شرکت به اسم عبدالله برای پیشرفت و ترقی شرکت پیشنهاداتی ارائه می‌دهد که توجه حنان را جلب می‌کند. و پس از گذشت مدتی حنان با عبدالله ازدواج می‌کند اما این ازدواج با خیانت همسر حنان به چالش کشیده می‌شود. و هر بار که به همسرش فرصتی دوباره می‌دهد باز با خیانت عبدالله مواجه می‌شود که در نهایت منجر به طلاق می‌شود که بعد از طلاقش با ارسال پیامی چالش برانگیز همه را برای جشن طلاقش که از آن به جشن آزادی تعبیر می‌کند، دعوت می‌کند.

۳- بخش تحلیلی

در این بخش به تحلیل و بررسی مولفه‌هایی که مربوط به نقد فمینیستی است می‌پردازیم.

۳-۱- مسائل و جلوه‌های زنانه

یکی از ابعادی که نقد جامعه‌شناختی آن را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد، نقد فمینیستی می‌باشد. نقد فمینیستی هانطور که گفته شد یکی از رویکردهای نقد در ادبیات داستانی است و قابل توجه بسیاری از ناقدین بوده است. فمینیسم یک چالشی است که با هدف احقاق حقوق زنان روی کار آمده است و مسائل و مشکلاتی را که زنان با آن مواجه است را بیان، و در راستای حل و فصل آن مشکلات برمی‌آیند تا زنان بتوانند با خیالی آسوده و فراخ بال به سوی آرزوهای خود گام بردارند. از قبیل مسائلی که زنان با آن مواجه اند شامل موارد زیر می‌شوند:

۳-۱-۱- موانع فرهنگی و اجتماعی اشتغال زنان

شاغل شدن زنان یکی از مواردی است که در جنبش فمینیسم بیان شد و فمینیسم در تلاش برای برابری حق اشتغال بین زنان و مردان بودند. تا با شاغل شدن کمتر از مردان درخواست‌های اقتصادی داشته باشند و یا حتی به استقلال مالی کامل از مردان خود برسند در واقع فمینیسم‌ها «تأکید خاص بر مشارکت اقتصادی و برابری زنان و مردان داشته، حتی گاهی اوقات ارزش کمتری برای کارخانه قائل می‌شوند. به نظر آنان زنان ظرفیت‌های مورد نیاز



را برای درست‌تری برابر به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی و فکری در اختیار دارند و از این لحاظ هیچ نقصانی را نسبت به مردان بر نمی‌تابند» (خسروشاهی و مومنی راد، ۱۳۹۴: ۱۲۹). نمونه موردی از موانع فرهنگی این است که جامعه مردسالار چه در کشورهای عربی چه در دیگر کشورها نپذیرفتن زنان به‌عنوان مدیر یا کسی که به مردان دستور بدهد است که در این رمان نیز به آن اشاره شده است:

بعدها انطفأت شمعه الحياه فی آیامی، بعد رحیل والدی، تقبلت الواقع لأعیش فیئه، واجهت رفضاً کبیراً فی المجتمع، خصوصاً فی توالی مهام شركات والدی، کیف لأثنی أن تحکم الرجال، کیف للسلطه أن تكون بیدیهها، تمرّدوا، سکنتهم الأبالسه، خرجوا عن طواعیتی (المعینی، ۲۰۱۵: ۵۴).

بعد از خاموش شدن نور زندگی ام، بعد از فوت پدرم، باید قبول می‌کردم که زندگی کنم، به طور عجیبی از جامعه طرد شدم به خصوص در انجام وظایف شرکت پدرم، چگونه یک زن می‌تواند به مردان دستور بدهد؟ چگونه قدرت در دستان او باشد... نامه استعفا را گذاشتند و رفتند، به آنها اهمیت ندادم.

جامعه مرد سالاری که حنان در آن زندگی می‌کرد نمی‌پذیرفت که حنان بخواهد مدیر شرکت باشد و مردها زیر دست او کار کنند به همین دلیل حنان با چالش مواجه شد، فرهنگ حاکم بر جامعه مردسالار مدیریت و زمامداری را منسوب به مردان می‌دانند و آن را از زنان نفی می‌کند. چون فرهنگ آنان این موضوع را قبول نمی‌کرد مردان تمرد کردند و از شغل خود استعفا دادند و رفتند این شاهد مثال نمونه بارز از تضاد در جامعه را نشان می‌دهد و این موضوع را به خوبی بیان می‌کند که فرهنگ‌سازی می‌تواند نسل‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، در واقع فرهنگ غالب بر جامعه امارات در آن زمان نمی‌پذیرفت که زن شاغل باشد، چون زمانی زیادی را از خانواده دور است و این خود سبب ایجاد مشکل می‌شود. در این صورت اعتقاد بر این است که با کاهش میزان اشتغال زنان بتوان ازدواج و مسائلی از این قبیل را تقویت کرد (شیلت و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۹۹).

لم أستطع أن أنقذ نفسي، سقطت فی مکانی، هنا فقط التفت إلى الجمیع، منهم من یضحک علیّ، منهم من ینظر إلىّ دون أن یتحرّک، منهم من یتألّم دون أن یساعد، الأكثر إیلاماً أن هناك من یقهقهون علیّ هذا السقوط، كأنهم ینتظرون سقوطی لیتکالبوا علیّ (المعینی، ۲۰۱۵: ۹۴).



نمی‌توانستم خودم را نجات دهم، در جای خودم ساکن شدم، در آنجا همه به من نگاه می‌کنند، آنها به من می‌خندند، بعضی از آنها به من نگاه می‌کردند بدون اینکه حرکت کنند، بعضی از آنها بدون اینکه کمک کنند درد می‌کشند، دردناک‌تر این است که آنجا کسانی هستند که به این سقوط می‌خندند، گویا فقط منتظر بودند سقوط کنم تا به من حمله‌ور شوند.

در این متن چون جامعه (یعنی در واقع کارکنان شرکت پدر حنان) نمی‌توانست بپذیرد که حنان به آنها دستور دهد و زمام افسار شرکت را در دست بگیرد، چون هنوز در جامعه‌ای که حنان در آن زندگی فرهنگ‌سازی اینکه یک زن مدیر یا رئیس باشد، انجام نشده بود، چون این کار برای اولین بار شکل گرفته بود و منجر به استعفای بسیاری از کارکنان شده بود، همه آنان منتظر سقوط و ورشکست شدن حنان بودند تا به او حمله‌ور شوند و او را مورد مؤخذه قرار دهند.

۳-۱-۲ مرد ستیزی

در رمان‌هایی که شخصیت اصلی آن را زن یا زنان تشکیل می‌دهد به طور معمول یک مردستیزی یا مبارزه علیه مردان در آن داستان در حال رخ دادن است که این ستیزی به منظور دوری از مردان است چون در اینگونه رمان‌ها شخصیت مردان یک شخصیت خشن، مستبد زورگو و تحمیل‌کننده عقاید خود بر جامعه‌ی زنان می‌باشند. نگاه زنان به ویژه در این داستان‌های تند و عصبی، ضد مردان است. مردان در این قبیل از داستان‌ها، کمتر ویژگی‌های یک انسان معمولی را دارند؛ یعنی یا بد مطلقند یا خوب مطلق ولی البته بیشتر بد هستند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۳). در این رمان نمونه از تنفر نسبت به مردان دیده می‌شود برای مثال:

طریقتها جداً غریبة فی التعامل، أردت سؤالها عن "المشروع الاستثماري"، لم تعطن المجال كي أسألها، ناولتني جهاز "الآي باد" أردت مني أن أقرأ، على الرغم من أنها تمقت الرجال، لا أعلم كيف وضعت ثقفتها بي، عندما اقترب النادل من الطاولة، لم تلتفت إليه، وطلبت من فيكتوريا أن تحادثه بنظرة تنم عن حقد (المعینی، ۲۰۱۵: ۴۸).

شیوه او در تعامل واقعاً عجیب غریب است، می‌خواستم در مورد پروژه سرمایه‌گذاری از او بپرسم، اما مهلت نداد تا از او سوالی بپرسم، و ایرپاد را به من داد و از من خواست که بخوانم، علی الرغم اینکه او از مردها متنفر بود، نمی‌دانم چطور به من اعتماد کرد، هنگامی که پیش خدمت از آشپزخانه به ما نزدیک شد به او نگاه نمی‌کرد، و از ویکتوریا خواست که با نگاهی نفرت‌آمیز با پیش خدمت صحبت کند.



این حس بدبینی و تنفری که حنان نسبت به مردان دارد ریشه در تربیت او و اتفاقاتی دارد که در گذشته برای او رخ داده‌است، پدر حنان او را طوری تربیت کرده‌است که از جامعه و افراد فاصله‌اش را حفظ کند و برای هر فرد حد مرزی را قائل شود. و بعد از فوت پدرش و در پی محقق کردن آرزوی دیرینه پدرش (مدیریت شرکت و تجارت) در شرکت پدرش با مردی بنام عبدالله آشنا می‌شود و به طور کامل به او اعتماد می‌کند و عاشق او می‌شود ولی با خیانت های متعددی از طرف او مواجه می‌شود که تمام دیدگاه مثبت او را نسبت به مردان و جامعه تغییر می‌دهد و باعث بی‌اعتمادی وی نسبت به مردان و جامعه اطرافش می‌شود.

أذكر في أول يوم رأنتي فيه، بدأت تتفحصني و كأنني سعلة تريد شراءها، رأيت الكراهية في عينيها لجنسي، لم تتقبلني في بادئ الأمر، صمتت لوقت طويل دون أن تنطق بكلمة، زميلتي تتحدث إليها لتقنعها بأنني جدير بالثقة، لاحظت التردد علي ملامحها، كيف لي أن اسعفها بعد أن خانها شخص من بني جنسي، شعرت بأن محاولاتي ستبوء بالفشل، فعند فقدان الثقة في شخص نفقدها في الجميع دون استثناء (همان، ۲۰۱۵: ۷۵-۷۶).

یادم می‌آید روز اولی که مرا دید او شروع به چک کردن من گویی من کلایی هستم که او می‌خواهد بخرد، در چشمانش نفرت نسبت به جنسیت خود را دیدم، در وهله اول او مرا نپذیرفت، مدت ها سکوت کرد. بدون اینکه حرفی بزند. همکارم با او صحبت کرد تا او را متقاعد کند که من واقعاً قابل اعتماد هستم. او با اعتماد به نفس به نظر می‌رسید. متوجه تردید در ویژگی های او شدم. چگونه می‌توانم بعد از اینکه یکی از جنس خودم (همجنس خودم) به او خیانت کرد به او کمک کنم. احساس کردم که تلاش‌های ما با شکست مواجه می‌شوند، وقتی اعتماد به شخصی را از دست می‌دهیم، بدون استثناء آن را در همه از دست می‌دهیم.

از آنجا که حنان، نویسنده را بررسی می‌کند که ببیند آیا او مورد اعتماد است یا نه بیانگر یک نفرت دیرینه و ترسی و شکاکیتی است که در وجود وی رخنه کرده‌است، که این نفرت برخواسته از بی‌اعتمادی است که توسط همسر حنان به وجود آمده‌است. پس از آن که او به همسرش اعتماد کرد و هر بار همسرش با خیانت جواب اعتماد حنان را می‌داد. علاوه بر اینکه باعث جدایی آنها شد مسبب اصلی به وجود آمدن مرد ستیزی و حس تنفر و شکاکیت در حنان نیز شد، و مورد دیگری که قابل است این بود که از مردها فاصله بگیرد و به انزوا برود و تمام وجودش را با بی‌اعتمادی نسبت به مردان پرورش دهد و دلیل اینکار حنان دور ماندن از آسیب‌هایی است که جامعه مردسالار می‌تواند نسبت به او وارد سازد.



۳-۱-۳ خشونت

۳-۱-۳-۱ خشونت جامعه علیه زنان

هرگونه عمل خشونت آمیز که ریشه در تبعیض جنسیتی داشته باشد در صورتی که منجر به آسیب فیزیکی و جسمی شود را می‌توانیم تحت عنوان خشونت علیه زنان عنوان کنیم. همچنین هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، جنسی، روحی و رنج زنان شود را خشونت علیه زن می‌گویند. این خشونت می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب اختیار و آزادی، به صورت پنهان یا آشکار انجام شود. بحث در این مورد حدود یک سده پیش با آغاز موج اول جنبش فمینیستی مطرح شد. و حدود سال ۱۹۷۰ میلادی به بعد به طور جدی دنبال شد. از این زمان به تدریج در اثر فعالیت افراد مختلف خشونت در خانواده‌ها تحت بررسی قرار گرفت (اعزازی، ۱۳۸۳: ۴۹)، تفاوت خشونت پسران و دختران امری بدیهی است، چون پسران از نظر فیزیکی خشن تر هستند و اینکه در سراسر جهان پسران آمادگی بیشتر برای نزاع دارند (شیلت و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

رمت الدفتر علی الأرض، نظرت إلى بعیون شخص قاتل، یرید أن یجهز علی ضیحة فی الحال، افتقرت للسلح، لو کان بیدها... (المعینی، ۲۰۱۵: ۲۲).

دفتر را روی زمین پرتاب کرد، با چشم‌هایش به من نگاه می‌کرد گویی به شخص قاتلی نگاه می‌کرد، که می‌خواهد حال را برای قربانی کردنش آماده کند ولی سلاحی در دست‌هایش نداشت.

خشونتی که حنان بر نویسنده زندگینامه‌اش روا می‌دارد نشان دهنده یک خشونت متوالی نسبت به جنس مرد است، چون در گذشته حنان مورد خشونت‌هایی متوالی از طرف همسرش و جامعه را متحمل شده و در کل نسبت به جنس مرد و همچنین جامعه احساس تنفر دارد.

۳-۱-۳-۲ خشونت روانی

خشونت انواع مختلفی دارد و محدود به خشونت‌های جسمی نمی‌شود، ما در جامعه‌ای زندگی که از همه قشر و صنفی در آن زندگی می‌کنیم و تفاوت‌های فرهنگی زیادی بین جوامع مختلف وجود دارد که با سایر فرهنگ‌ها در تناقض است یا بهتر است بگوییم قابل پذیرش در هر سنخ از جامعه نیست بدین جهت از طرف جامعه به صورت‌های مختلف مورد انتقاد و چالش و خشونت قرار می‌گیریم که این نوع از آن خشونت روانی نامیده می‌شود می‌تواند به صورت کلامی مثل زخم زبان، دشنام دادن، تحقیر، بی‌احترامی، تهمت، افترا یا کم توجهی مثل بی‌اعتنایی، طرد



شدن، شکاکیت روی رفتارهای زن، و... باشد. محققان جرم‌شناسی بین احساس مردانگی بیمارگونه و مردانگی طبیعی، تفاوت قائل هستند و دسته اول کسانی می‌دانند که تمایل دارند مردانگی خود را از طریق رفتارهای ضداجتماعی و خشونت علیه دیگران چه مردان و چه زنان اثبات کنند. دسته دوم مردانی اند که مردانگی خود را در کسب مهارت، برنده شدن، رقابت و انجام مسابقات می‌بینند (شلیت و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

أشفقت علیها، حالها یرثی له، کل ما أعرفه أن لعنه المجتمع أصابتها، لعنه لن تخرج منها إذا لم تقاوم. اعتكفت فی بیتها، لم تخالط البشر، انزوت بعیداً عن الجميع، بعدما أصابها وابل من الكلام؟ (المعینی، ۲۰۱۵: ۱۳)

دلم برای او سوخت، حال او تاسف‌بار است، تنها چیزی که از او می‌دانم این است که مورد لعنت و نفرین جامعه قرار گرفته‌است، یک نفرینی که بدون مقاومت تمام‌شدنی نیست. در خانه‌اش گوشه نشین شد. و با انسان‌ها قاطی نمی‌شود، از همه دوری می‌کند بعد از اینکه با رگبارهایی از صحبت‌ها مواجه شده‌است.

بشر وقتی که مورد لعنت و نفرین، در واقع خشم جامعه قرار می‌گیرد. به صورت عادی به انزوا می‌رود و از جامعه‌ای که آن خشونت را علیه او رواداشته‌اند دوری می‌کند تا مبادا برای بار دیگر مورد لعن و نفرین جامعه قرار بگیرد، و حس ناچیز بودن بهش دست بدهد، در واقع در این رمان حنان چون این آسیب که از طرف جامعه بهش وارد شده را می‌شناسد، از ترس این که باز چنین اتفاقات ناگواری برایش رخ ندهد در خانه می‌ماند و از افراد جامعه دور می‌ماند. تا دیگر آسیب‌هایی از این قبیله را تجربه نکند.

إن كنت تريد سرد الحقائق كما أريدها ساخبرك بقصتي بإنصاف، دونما تحيِّز أما إذا كنت تريد أن تسردها بمنظارك الخاص، تسطيع الخروج من الباب كما دخلت، لن أعتب عليك، فلا صله لي بك، فأنت من مجتمع خذلني، لن يزيدي خذلانك ألماً، هوجمت بما فيه الكفاية (همان، ۲۰۱۵: ۲۴).

اگر می‌خواهی که حقایق را نقل کنم همانگونه که می‌خواهی به تو داستاتم را با انصاف می‌گویم بدون اندکی تعصب ولی اگر می‌خواهی از دیدگاه خاص خودت بنویسی، می‌توانی از در بری بیرون همانطور که وارد شدی و من تو را سرزنش نمی‌کنم، و هیچ ربطی به من نداری، تو از جامعه‌ای هستی که مرا ناامید کرد و ناامیدی از تو دردی را به من اضافه نمی‌کند، هجوم و حمله‌ور شدن (جامعه) برایم کافی است.

همانگونه که می‌دانیم صرفاً خشونت‌ها جسمی نیستند. و نمونه‌ای از خشونت‌های روانی ناامیدی است که جامعه و اطرافیان به شخص القا می‌کنند. در این متن شخصیت اصلی داستان بار ناامیدی که از طرف جامعه بهش وارد



شده است را انقدر سنگین می‌داند که اگر شخص دیگری نیز او را ناامید کند برایش قابل تحمل نیست وی آنقدر از هجوم ناامیدی‌های که جامعه به سمتش روانه کرده‌اند خسته شده است که می‌گوید جامعه برایم کفایت می‌کند در واقع مقصود حنان این است که دیگر تحمل بیشتر از این ناامید شدن را ندارد.

۳-۱-۴ طلاق

واژه طلاق ریشه عربی دارد و به معنی «گشودن گره» و «رهاکردن» است و در اصطلاح طلاق به معنای پایان شرعی و قانونی ازدواج می‌باشد، در فقه اسلامی به معنای «زائل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص» است (امامی و همکاران، ۱۹۳: ۱). طلاق وقتی رخ می‌دهد که استحکام در زندگی زوجین بر اثر اتفاقاتی از قبیل خیانت، خشونت، بداخلاقی و... از بین رفته باشد، در بسیاری از جوامع حق طلاق با مرد است چون مردها تصمیمات قاطعانه می‌گیرند و بنیان خانواده را مستحکم می‌کنند (فلاح احمد چالی، ۱۳۹۸: ۷)، زمان‌هایی نه چندان دور طلاق رویدادی غمبار و یا یک رسوایی تلقی می‌شد، و افراد کمی جرأت می‌کردند که از طلاق حرفی به میان آورند چون با واکنش مردم مواجه می‌شدند. اما با گذشت زمان در سال ۱۹۸۵ کسی دیگر طلاق را رسوایی به حساب نمی‌آورد (اندرو و همکاران، ۱۹۹۲: ۴۵-۴۸). بعد از طلاق ممکن است بعضی از افراد دچار اضطراب و افسردگی شوند ولی بعضی دیگر از اینکه طلاق گرفتند احساس خوشحالی می‌کنند و جشنی را تحت عنوان جشن طلاق تدارک می‌بینند، که اسم رمان مذکور نیز "حفلة طلاق" برگرفته از چنین فرهنگی است که در جوامع مدرن مد شده است.

دعوة لحفلة طلاق "مجتمعی العزیز، ها هی أنثی تراسلکم، لتخبرکم بأن موعد طلاقها قد حان، عانیت منکم الكثير... لست هنا لأعطی موعظة، فأنا منبوذة فی هذا المجتمع، أريد أن أخبرکم بأن موعد حریتی قد حان، سألنا جناجی، سأطیر، سأخلق فوقکم، سأضحک علیکم، ستبکون منی (المعینی، ۲۰۱۵: ۵۲-۵۱).

دعوتی برای جشن طلاق: جامعه‌ی عزیز، بله منم یک زنم که می‌فرستم، تا شما را برای جشن طلاقم با خبر کنم، از شما خیلی رنج دیدم...دیگر مرا پند و اندرز ندهید و این گزیده‌ای از جامعه است، می‌خواهم که شما را از فرارسیدن آزادی‌ام باخبر کنم، به موفقیت خواهیم رسید، پرواز خواهیم کرد، به بالاتر از شما می‌رسم، به شما خواهیم خندید، گریه خواهید کرد.

همانطور که از سیاق پیداست بعضی از خانم بعد از جدایی خوشحال می‌شوند و برای جدایی خود جشن می‌گیرند و احساس آزادی می‌کنند، چون زنان فمینیستی معتقدند که شوهرشان مانعی است برای رسیدن به آرزوهایشان در



واقع می‌توانیم بگوییم زنان همچون پرنده‌هایی هستند که همسرانشان بال پرواز آن‌ها را چیده‌اند و هنگامی که جدا می‌شوند احساس حریت و موفقیت می‌کنند.

۳-۱-۵ کار سنگین زنان

انجام کارهای سنگین که از توان زن خارج است و فشار زیادی از لحاظ روحی جسمی و روانی بر زن متحمل می‌سازد، بدن یک هستی زیست شناختی و روان شناختی صرف نیست، بلکه پدیده‌ای است که به صورت اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود (کرگان، ۲۰۰۶، کریگر و اسمیت، ۲۰۰۴: ۹۴۱)، وضعیت شغلی زنان یکی از مؤلفه‌هایی است که با مدیریت بدن به ویژه در ابعاد بهداشت و تغییر بدن ارتباط دارد، مثلاً در نوشته مانع المعینی سختی شغل تجارت برای زنان به رنج تشبیه شده است.

کل تصرف نتصرفه، إما یرفعنا إلى الثريا أو یهوی بنا إلى الثرى، إذا ارتفعنا للثريا لم یبال بنا أحد أما إذا هوینا إلى الثرى، یلتفت الجميع لسقوطنا، هذا هو حالنا لا نرى النجاح، ننظر بتمعن إلى الفشل حتى قبل أن نفشل، حیاتی کانت ملیئةً بالتحديات، لم یکن طریقتی مستقیماً، عانیت الكثير، لا تغتر بالمسمى هو أننى "تاجرہ" فقد خرجت هذه الکلمة من رحم المعاناة (المعینی، ۲۰۱۵: ۲۹).

هر اقدامی که ما انجام می‌دهیم، یا ما را ثروتمند می‌کند یا از آن ثروتی هم که داریم پایین‌تر می‌آورد، وقتی که ما را به ثروت رساند کسی به ما اهمیت نمی‌دهد اما اگر ما را از ثروت کم‌کند، همه سقوط ما نگاه می‌کنند، این احوال ما است، موفقیت را نمی‌بینیم، قبل از این که شکست بخوریم با دقت به شکست نگاه می‌کنیم، زندگی‌ام سرشار از چالش‌ها است، راهم مستقیم نیست، زیاد زجر کشیدم، فریب اسم را نخورید که من تاجر هستم که خود این کلمه از بطن رنج‌ها بیرون آمده است.

تجارت یکی از مشاغل سنگینی است که زنان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، در اینجا نیز از زبان حنان چنین ذکر شده است که تجارت از بطن رنج‌ها آمده است، این عبارت به خوبی بیانگر سختی و سنگینی شغل تجارت برای حنان است وی به همین دلیل از این عبارت استفاده می‌کند، تا آن بار سنگین از شغلش را اظهار کند چون زنان علاوه بر شغل یک سری از وظایف دیگر را در جایگاه همسر بودن، و مادری و...را دارند نمونه‌ی این را در کتاب جایگاه حقوقی زنان اثر میچل می‌بینیم، میچل در این اثر موضع سنتی مارکسیست فمینیستی را که بر مبنای آن موقعیت زن صرفاً تابعی از نسب او با سرمایه و حضور یا غیابش در نیروی کار تولیدی است را گنار گذاشت، و نقش زن در تولید



را همراه با نقش او در تولید مثل، تربیت فرزندان و میل جنسی چهار عاملی معرفی کرد که به باهم منزلت و کارکرد زن را تعیین می‌کند (تانگ، ۱۹۴۷: ۲۸۵).

۳-۱- سکوت زنانه

سکوت در واقع عبارت است از بیان نکردن خود و خواسته‌های خود است، یعنی کمرنگ و بی‌اثر بودن در سرنوشت و علایق خود به انزوا رفتن فرد و دور شدن از آرزوها و امیال خویش، که اینگونه واکنش‌ها بیشتر در زنان رخ می‌دهد و بیشتر نشأت گرفته از احساسات و عواطف آنان در جوامع مردسالار است در دیدگاه فمینیستی این سکوت زنانه در برابر سرنوشتشان مورد نکوهش و بازخواست قرار می‌گیرد. به گفته فریره عبارت فرهنگ سکوت نشان دهنده «بردباری انفعالی (در برابر) سلطه» است (فریره، ۱۳۹۴: ۱۸۸).

عندما يفقد الإنسان الكثير من الأشياء في حياته، حينها لا يبالي بشيء، و ربما يفضل الصمت على الكلام، او يفضل أشياء غريبة لا يعتادها أحد سواه (المعینی، ۲۰۱۵: ۱۲).

هنگامی که انسان در زندگی‌اش چیزهای زیادی را از دست بدهد، آنگاه دیگر به چیزی اهمیت نمی‌دهد، شاید سکوت را بر کلام ترجیح دهد، یا اشیاء بیگانه را ترجیح دهد چون که کسی غیر از خودش به آن عادت نمی‌کند.

أسرفت في بكائها، نزلت دموعها رغبة منها، أشعر بلهيبها يقترب مني، تمالك نفسي، عشت في حيرة، كيف لي أن أكمل ما بدأت به، فهي بين فينة و أخرى تصمت دون أن تصمد (همان، ۲۰۱۵: ۲۹).

در گریه زیاده روی کرد، آرزوهایش با اشک‌هایش ریخت، احساس کردم شعله‌ای به من نزدیک می‌شود، خودم را جمع‌وجور کردم، در سردرگمی زندگی می‌کردم، چگونه آن را کامل کنم وقتی آن را شروع کردم و او گاهی اوقات ساکت می‌شود بدون اینکه بایستد.

سکوت زنانه در اثر فشار زیاد است، چیزی که می‌توانیم آن را تفسیر کنیم این است زنان هنگامی که تحت فشار باشند به گونه‌ای که آن امر دیگر برایشان اهمیت نداشته باشد سکوت اختیار می‌کنند و حرفی نمی‌زنند، چون می‌دانند که نمی‌توانند در برابر آن مقابله کنند یا برای آن چیزی که نمی‌شود بجنگند، به همین دلیل ترجیح می‌دهند که سکوت کنند به جای اینکه سخن بگویند.



۳-۱-۷ پدرسالاری

نظریه پدرسالاری از موج دوم جنبش فمینیستی روی کاری آمد. این واژه به معنای نظام اقتدار مردانه است که از راه نهادهای خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، زنان را مورد ستم و سرکوب قرار می‌دهد (آبوت، ۱۳۸۰: ۳۲۴) (تایسن، ۱۳۸۷: ۱۵۱). تایید وجود پرخاش‌گری در مردان به عنوان پدیده‌ای زیست‌شناختی و طبیعی است که در طول تاریخ زمینه‌ساز و تداوم‌بخش فرهنگ مردسالاری یا پدرسالاری شده است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۸)، این ایدئولوژی مردسالار، زنان را موجوداتی غیر قابل کنترل، در معرض گناه و ناتوان معرفی می‌کرد. پس زن باید زیر سلطه قرار گیرد تا کنترل شود (بیاد و قیطاسی، ۱۳۹۴: ۲۲۲)، که در این رمان به وفور طعنه‌ها و نمونه‌هایی را مشاهده می‌کنیم.

تعلیمت فی مدارس، اما مدرسه والدی فقد کانت مختلفه تماماً، علمنی کل شیء یختص بالتجاره، أحببت کل شیء تعلمته منه، لم يتعامل معی فی أحد الأيام بفظاظه أو قسوة تذکر، الا إذا ارتکبت خطأً جسمياً (المعینی، ۲۰۱۵: ۳۰) در مدرسه آموزش می‌دیدم، اما آموزش پدرم کاملاً متفاوت بود، پدرم تمام مواردی را که مخصوص تجارت بود به من آموزش می‌داد. هر چیزی که از او یاد می‌گرفتم را دوست داشتم، او با بی‌ادبی یا رفتار تند با من برخورد نمی‌کرد، مگر اینکه یک خطای فیزیکی انجام می‌دادم.

این متن از این حیث وارد شاهد مثال پدر سالاری شده است که پدر حنان عقاید و تفکرات خود را به حنان آموزش می‌داد، در واقع هدفش این بود که دخترش که تنها فرزندش بود اداره شرکتی که از او باقی می‌ماند را در دست بگیرد نکته مهم در این بخش این است که حنان دختر تک فرزند خانواده‌اش بود چون بعد از به دنیا آمدن حنان مادرش فرزندی مرده به دنیا می‌آورد، و حنان نیز به تبعیت از پدرش وارد رشته تجارت بین الملل می‌شود، چون این یکی از آرزوهای دیرینه‌ی پدرش بود وی در پی محقق کردن آرزوی پدرش این مسیر را ادامه داد، هدایت کردن فرزندان توسط والدین در جهت آرزوهای والدین یکی از مواردی است که در جامعه امروزی رو به افزایش است، که مسبب شکننده شدن روحيات و افزایش فشارهای روانی می‌شود، بر اساس استدلال کارن هورنای، فرهنگ مردسالار ابتدا زنان موجودی زنانه یعنی منفعل می‌سازد و سپس او را متقاعد می‌کند که این «زنانگی» که در واقع نوعی سازگاری منفعلانه با سلطه مردانه است حقیقت وجودی او به شما می‌آید (تانگ، ۱۳۸۷: ۲۴۱).



فأنا على يقين بأنها لن تخبرني بكل شيء، خصوصاً وأن هناك خصوصيات وبعض من التحفظات في هذا المجتمع، قالت عنه في أحد الأيام بأنه "مجتمع ذكوري" لا يبالي بالمرأة (المعینی، ۲۰۱۵: ۳۹)

بدون شك او مرا از همه چیز باخبر نمی‌کند، در او خصوصياتی وجود دارد که در این جامعه محدودیت‌هایی را شامل می‌شود، در یکی از روزها به من گفت: جامعه مردانه که به زنان اهمیت نمی‌دهند.

بعدها صدها المجتمع، وقفت معها إنسانة غريبة عن هذا المجتمع التقليدي أو بالأحرى كما تسميه حنان "المجتمع الذكوري"، يعطى الذكور حقوقهم وينسى الأنثى (همان، ۲۰۱۵: ۵۷).

بعد از اینکه جامعه سد راهش شد، با انسان‌های این جامعه سنتی یا همان‌گونه که حنان آن را جامعه مردانه نامیده‌است غریبه شد، جامعه مردانه‌ای که به مردان حقوقشان را می‌دهد و زنان را فراموش می‌کند.

عقیده حنان به مردسالار بودن جامعه است و آن‌گونه که از شواهد متن پیداست به صورت‌های متعدد در متن از زبان حنان به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، به جامعه مردانه تعبیر کرده‌است. و عقیده حنان بر این است که جامعه مردسالار زنان را فراموش می‌کند، در واقع در جامعه مرد سالار تمامی امور مهم برعهده مردان است، و زنان به انزوا کشیده می‌شوند و در جامعه حضوری فعال را ندارد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که رمان حفلة طلاق داری یک شخصیت زن محور است، شخصیت اصلی یک زن تاجر است، که بسیار مورد توجه خانواده‌اش در واقع نازپرورده بوده تا در اثر یک سری از اتفاقات تلخی که در زندگی‌اش رخ می‌دهد، گرایش‌های فمینیستی در وی ظهور می‌کند و دچار افسردگی می‌شود، وقتی گذر زندگی را می‌بیند در صدد است که با انگیزه و اشتیاق بیشتر با مشکلات پیش رویش بجنگد تا مجدد مورد تحسین و ستایش جامعه قرار بگیرد، اینجاست که جنبش فمینیستی اثر خود را در جامعه و شکل‌گیری شخصیت افرادی که افکارشان تا حدودی با این جنبش همخوانی دارد، تحمیل می‌کند. جنبش مذکور در آثار نویسندگان نیز اثری واضح را داراست، چون داستان و رمان‌ها برگرفته از زندگی روزمره و افکار و دیدگاه‌های آن افراد است، در این رمان با افکار و دیدگاه‌های سنتی که برخواسته از فرهنگ یک جامعه است نیز روبه‌رو هستیم دقیق آنجا که جامعه مدیریت یک زن را نمی‌پذیرند



و نمی‌خواهند مدیریت کارخانه به حنان واگذار شود و دست به اعتصاب می‌زنند، در این رمان با موضوعات زنانه دیگری نیز از قبیل؛ مردستیزی، طلاق، خیانت، خشونت و... مواجه هستیم، در آخر این رمان قابلیت بررسی کامل نقد فمینیستی را دارد و همچنین این گرایش‌های فمینیستی تحت تاثیر چالش‌هایی است که محیط اجتماعی و خانوادگی بر روی زنان اعمال می‌کند، ظهور پیدا می‌کند، مورد دیگر قابلیت ذکر را دارد این است که این رمان از جنبه‌های مختلفی از موضوعات زنانه نیز بررسی شده است.





منابع

- آبوت، پاملا، کلروالاس (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳)، «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۴۷-۸۴.
- امامی، اسداله و سیدحسین صفایی (۱۴۰۰)، *حقوق خانواده*، جلد اول، چاپ ۱۴، انتشارات میزان.
- المعینی، مانع (۲۰۱۵)، *روایه حلقه طلاق*، نشر فی دوله الامارت العربیه المتحده
- خسروشاهی، قدرت الله و فهیمه مومنی راد (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی اشتغال زنان در مکتب اسلام و فمینیسم»، *فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، سال ۲۱، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۳۴.
- شیلت، وندی و همکاران (۱۳۸۴)، *فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳*، چاپ سوم، ویراست دوم، مترجم: معصومه محمدی و همکاران، دفتر نشر معارف، قم.
- فریره، پائولو و شر، ایرا (۱۳۹۴)، *پداگوژی برای رهایی*، گفت‌وگوهایی درباره دگرگونی آموزش، ترجمه حسام حسین زاده، تهران: رهایی www.rahaayi.com/publication/
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، *سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، چاپ اول، تهران: سخن.
- فلاح احمد چالی (۱۳۸۶)، مقاله فلسفه واگذاری حق طلاق به مردان، *همایش منطقه ای زن در نظام حقوقی اسلام*، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا.
- کار، م (۱۳۷۹) *پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران*؛ تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- گرین، گیت و جیل، لبیهان (۱۳۸۳): *درس‌نامه‌ی نظریه و نقد ادبی*: مترجم: فاطمه حسینی: چاپ اول، تهران، نشریه روز نگار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، برگدان منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- هام، مگی (۱۳۸۲)، *فرهنگ نظریه فمینیستی*، ترجمه فیروزه مهاجر و دیگران، تهران، نشر توسعه.



Biad, Maryam and Sajjad Gheitasi. "Female Resistances against the Dominant discourse of Patriarchy in Shakespeare's Winter's Tale with Special References to Greenblatt's and Sinfield's Theories". Pazhouhesh-e-Adabiat-e- Moaser-e- Jahan [Research in Contemporary World Literature/Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji], vol. 20, no. 2, Autumn & Winter 1394, pp. 217-230.

Tyson, Lois. Critical theory today (Nazarie-haye naghd-e adabi-e moaser, translated by Maziar Hossein Zadeh and Fatemeh Hosseini). Tehran: Negah-e emrouz, 1387.

Showalter, E. (1977), A literature of their own: British women novelists from Bronte to Lessing, New Jersey: Princeton University Press.

Cregan, Kate, (2006). The Sociology of the body: Mapping the Abstraction of Embodiment. SAGE Publications. London.

Krieger, Nancy & Smith Davey, (2004): "Bodies Count and Body Count: Social Epidemiology and Embodying Inequality". Epidemiologic Reviews. vol. 26.

Andrew J. Cherlin, Marriage, Divorce, Remarriage, rev. ed. (1992), Cambridge: Harvard University Press.



Feminist criticism of the novel "Divorce Party" by Mane al-Maaini

*Samaneh ghahermani*¹, *Ali Khezri*², *Rasoul Ballawy*³

Abstract :

feminist movement can also be seen in the author's works, as the stories and novels reflect the daily life, thoughts, and views of those people.

The novel provides a deep insight into traditional thoughts and views that arise from the culture of a society. Specifically, society does not accept a woman to manage a factory, and this leads to Hanan facing a strike. The novel also explores other women's positions such as misogyny, divorce, betrayal, and violence. Feminist criticism fully examines the novel at the end, and these feminist trends are influenced by the challenges that the social and family environment imposes on women.

It is worth mentioning that this novel has been examined from various aspects of women's situations, providing a comprehensive understanding of the feminist movement. The novel is a valuable resource for anyone interested in feminist literature and the challenges that women face in patriarchal societies. It highlights the influence of societal and cultural factors on women's lives and portrays how feminist tendencies emerge in women. Overall, this research provides a detailed analysis of the novel's themes and is an excellent source for those interested in feminist literature.

Key words: Feminism, Feminism Criticism, Mane al-Maaini, the novel " haflat talagh".

¹ . MA student, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, iran.// negin.gh200098@gmail.com

² . Associate Professor Associate Professor of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, iran. (Corresponding Author)/ alikhzri@pgu.ac.ir

³ . Professor of Arabic Language and Literature, shahid Chamran university of ahvaz, ahvaz ,iran.// r.balavi@scu.ac.ir